

برنامه‌های رسانه ملی در سومین سالگرد شهادت سردار مقاومت

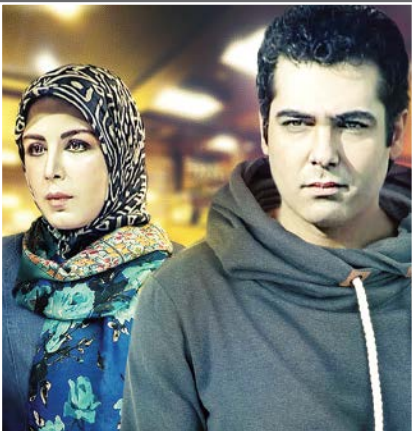
**پویش خانواده پویش حاج قاسم**

میثم مرادی بیناج، مدیر شبکه یک سیما و دبیر ستاد رسانه‌ای مکتب حاج قاسم سلیمانی در رسانه ملی برنامه‌های سازمان صدا و سیما در ایام سومین سالگرد شهادت این شهید سرافراز را اعلام کرد. به گفته مرادی بیناج، ویژه برنامه‌های مرتبط با سومین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی از ۲۹ آذر با افتتاح رادیو ۲۴ ساعته مقاومت آغاز شده است. وی گفت: شبکه‌های سیما در مجموع با ۱۰۰ عنوان برنامه در بیش از ۱۴



**کمربندها را محکم ببندید**

موقفیت مجموعه «بدون شرح» در جذب مخاطب باعث شد که کارگردان سرآخ حرفه دیگری تقریباً با همان تیم در یک سریال دیگر برود؛ مجموعه کمدی «کمربندها را ببندیم» که سال ۸۲ از شبکه سه پخش شد. آقای ملکی که صاحب یک آژانس هواپیمایی بود، بعد از رسیدن ارثیه هنگفت عمه‌اش تصمیم به راه‌اندازی خطوط هوایی ملکی ایرلاین (مال) و اولین فرودگاه خصوصی کشور می‌کند. نویسنده‌ها فضا و دیالوگ‌ها و شخصیت‌پردازی بانمکی برای این مجموعه طراحی کرده بودند.



**کافه خانوادگی**

سریال «باتوق» را به خاطر دارید. داستان مشتری‌های یک کافی‌شاپ را به تصویر کشید که ماجراهای جالبی داشتند. صاحبان این کافی‌شاپ یک خواهر و برادر به نام امید و آرزو بودند. شاهین باباپور اولین بار بود که در مقام کارگردان قرار می‌گرفت. به همین دلیل شاید آن طور که باید در به تصویر کشیدن فضای یک کافه و روایت داستان‌های جذاب موفق نبود. با این حال یکی از نخستین کارهایی بود که درباره کافه‌داری اطلاعاتی را به مخاطب می‌داد و یک کار برداستان و پربازیکر محسوب می‌شد.

هزار دقیقه، شبکه‌های صدا و وادیو ۲۴ ساعته مقاومت با ۱۲۸ عنوان برنامه در ۹۰ هزار دقیقه، شبکه‌های استانی با ۷۶۰ عنوان برنامه در بیش از ۵۱ هزار دقیقه، شبکه‌های برون مرزی با ۱۱۳ عنوان برنامه به زبان‌های مختلف و معاونت مجازی با اقدامات گسترده رسانه‌ای در سامانه‌های تلویزیون و پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، در کنار مردم سومین سالگرد شهادت سردار دلها را گرمای خواهند داشت. همچنین با توجه به

## گپ

**پرداختن به مسائل خاص، چالش برانگیز است**

در دره‌های بسیاری هستند، بنابراین برای ساخت چنین سریالی چالش‌های بسیاری داشتیم. این که بتوانیم حق مطلب را ادا کنیم و مشکلات‌شان را بگوییم که قطعاً نتوانسته‌ایم و آنچه به تصویر کشیدیم همه مشکلات‌شان نبود. هم این که یکسری کمبودها در قوانین حمایت از آنها داریم. به هر حال همه این چیزها هست و ما را دچار چالش می‌کرد.
دراایی درباره تأثیر چنین سریالی در جامعه و دیده شدن آنها و دغدغه‌های‌شان توسط مسئولان هم توضیح می‌دهد: واقعیت این است که این سریال توانست تأثیرگذار باشد و به قول دوستان در تلویزیون، «افرا» اولین سریالی بود که در زمان پخش مورد تقدیر قرار گرفت. بنابراین برای قانونگذاران ما این اتفاق جذاب بود. درصد مخاطبان هم حاکی از آن بود که سریال دیده شد، بنابراین تأثیرگذار بود.

### ماجراهای پزشکان

درباره کادر درمان که شامل پزشکان و پرستاران می‌شود، سریال‌ها و فیلم‌های بسیاری ساخته شده است. حتی در آثار دیگر هم محوریت برخی داستان‌ها همین افراد هستند. مثل سریال «پرستاران» که وقایع اورژانس بیمارستان‌ها را به تصویر می‌کشید یا سریال کمدی «ساختمان پزشکان» که در نوع خود کار موفق و پرمخاطبی هم بود و داستان درباره پزشکانی با تخصص‌های مختلف بود. اما سال ۷۷ مسعود کرامتی سریالی با عنوان «پزشکان» را برای شبکه سه ساخت که درباره سه پزشک بود که در یک بیمارستان مشغول به کار بودند و در هر قسمت با ماجرای متفاوت روبه‌رو می‌شدند. زنده‌یاد داوود رشیدی، فرهاد اصلانی و بهناز نازی بازیگران اصلی این مجموعه بودند. گرچه این کار چندان دیده نشد و مورد توجه قرار نگرفت، اما لوکیشن اصلی سریال در بیمارستان بود و بیننده با این حرفه و مصائب آن روبه‌رو می‌شد.

## نگاه

**مکان‌هایی که در فرهنگ فولکلوریک ایران وجود دارد**

شاهین باباپور، کارگردان سریال‌هایی چون: گردش علمی، طبقه دوم، مثل من مثل تو و جموش و خموش سریال «باتوق» را نیز کارگردانی کرده است. این سریال تداعی‌کننده فضای یک کافی‌شاپ بود و به داستان‌های مشتری‌های آن می‌پرداخت. او درباره چالش‌های ساخت چنین سریالی به جام‌جم می‌گوید: ما مکان‌هایی داریم که در فرهنگ فولکلوریک ایران همیشه جا افتاده است. از جمله مکان‌هایی که کم‌کم برچیده می‌شود، حمام‌های عمومی و قهوه‌خانه‌هاست که همیشه بحث‌ها و گفت‌وگوهایی در این مکان‌ها پیش می‌آمد. قهوه‌خانه‌های سنتی ما مکانی بود که مردم فقط برای خوردن جای به آنجا نمی‌آمدند، بلکه نقالی‌ها و پرده‌خوانی‌ها و هنرهای نمایشی هم در این مکان‌ها وجود داشت. اما کم‌کم این چیزها به فراموشی سپرده شد و از یک تاریخی به بعد اسم قهوه‌خانه‌ها به بدی یاد شد و عده‌ای می‌گفتند که باتوق معتادان شده است. در صورتی که در تبریز قهوه‌خانه‌ای وجود داشت که باتوق مشاهیر و علما بوده است. از جمله استاد شهریار که به آن قهوه‌خانه رفت و آمد می‌کرد. من هم با این ذهنیت می‌خواستم این سریال را بسازم. وی ادامه می‌دهد: وقتی می‌خواستم سریال «باتوق» را بسازم، در قسمت‌های نخست هم اشاره کردم که این‌کافه در گذشته قهوه‌خانه بوده است. بنابراین مخاطب با یک کافه و ماجراهای آن مواجه شد. کما این که هنوز هم ممکن است در کافه‌ها هر روز اتفاقات عجیبی بیفتند. ضمن این‌که کافه‌ها هنوز هم باتوق خیلی از دانشجوها است. باباپور همچنین بیان می‌کند: من نزدیک به سه ماه برای این سریال تحقیق میدانی کردم. چون پایان‌نامه کارشناسی من هم «سیری بر هنر فراموش شده قهوه‌خانه‌ها» بود. به همین دلیل به خیلی از قهوه‌خانه‌ها سر زدم و با مردم صحبت کردم. ثمره این شد که ایده سریال «باتوق» به ذهن رسید. من سری دوم این مجموعه را هم با داستان‌های خوبی آماده کرده بودم اما متأسفانه هیچ وقت ساخته نشد. البته هنوز هم آمادگی ساخت سری دوم این سریال را دارم. این کارگردان و بازیگر در پایان درباره مشاغلی که لازم است در سریال‌ها به آنها پرداخته شود هم می‌گوید: اتفاقاً یک کار دانشجویی انجام داده‌م به نام «روی یک صبح» که درباره آدم‌هایی بود که شب‌ها کار می‌کردند که تا صبح در خدمت مردم باشند، مثل رفتگرها یا کله‌پزها یا حلیم‌فروش‌ها و نانوایان و... بنابراین فکر می‌کنم هنوز به چنین مشاغلی خیلی پرداخته نشده. آن هم در صورتی‌که سختی‌های بسیاری را تحمل می‌کنند.



پیش‌بینی سفر سیل عاشقان ایران و اسلام برای تجدید عهد و ادای احترام و زیارت مزار این شهید عزیز، با محوریت ستاد مردمی مکتب حاج قاسم سلیمانی موکب‌هایی در مسیر گذرار شهدای کرمان پیش‌بینی شده و با همراهی خوب عزیزان بسیج رسانه ملی و حوزه فنی سازمان، پیش‌بینی خوبی برای ارتباط تصویری و انعکاس این حضور مردمی در شبکه‌های داخلی و بین‌المللی انجام شده است.

جام جم

رسانه  
MEDIA

پنجشنبه ۱۴۰۱ دی ۱۴۰۱ شماره ۶۳۸۸

### یادداشت

**نمای مشاغل در قاب سیما**



سپیده اشرفی  
آرگرو رسانه

پرداختن به مشاغل مختلف همیشه سوزه سریال‌ها بوده است. چه زمانی که مخاطب در آرایشگاه زیبا به تماشای زندگی‌اصلان می‌نشست و چه در سال‌های اخیر که بیشتر به جزئیات زندگی مشاغلی چون محیط‌بانی پرداخته و خود به یک همراهی از سوی مخاطب تبدیل می‌شود. یکی از این سریال‌ها که در زمان پخش توانست به خوبی دیده شود، سریال پرستاران بود که در زمان پخش آن در ایران، مخاطبان بسیاری را به سمت خود کشاند. این سریال به نام اصلی همه قدسین در واقع نام بیمارستانی بود که سریال در آن اتفاق می‌افتاد و در بسیاری از کشورها بازپخش شد. نکته مهمی که در مورد این سریال وجود داشت، جذب مخاطبان بسیار بود. همین آغازی شد برای سریال‌هایی که به صورت خاص به مشاغل قابل درک برای مردم مثل پرستاران و پزشکان اشاره می‌کند. چند سال بعد سریال‌های مختلفی از کردای و ایرانی، درباره زندگی پزشکان روی آنتن رفت. پیام مخاطب نسبت به این سریال‌ها روشن بود: برای مخاطب سریال‌های با محوریت مشاغل همیشه جذاب است. شاید یکی از دلایل توجه مخاطب به سریال‌های پلیسی هم همین مساله باشد زیرا از زمانی‌که خواب و بیدار در قامت یک سریال پلیسی روی آنتن رفت تا همین چند سال پیش که هوش سیاه و خانه امن پخش شد تا مدل جدیدی از سریال‌های پلیسی یعنی نوع امنیتی را به مخاطب نشان دهد، همه مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و باز هم این پیام «جذاب بودن سریال‌ها» تکرار شد.



اگر از سوی دیگری بخواهیم به این ماجرا نگاه کنیم، توجه به جزئیات مشاغلی که مخاطبان با آن سر و کار دارند، به این جذابیت اضافه می‌کند. مثلاً تا پیش از شدت گرفتن پخش سریال‌های پلیسی، این قدر جزئیات و آگاهی نسبت به زندگی آنها وجود نداشت. این آگاهی وقتی از طریق مدل سرگرمی بیان می‌شود، می‌تواند برای مخاطب جذاب‌تر باشد و پیام لازم را به او برساند. مثلاً اگر قرار باشد طرح خاصی اجرا شود یا پیام مشخصی از سوی پلیس به مردم داده شود، چنین سریال‌هایی می‌توانند به همراهی بیشتر مخاطب کمک کنند. البته این مساله در مورد مشاغل دیگر هم صدق می‌کند. مثلاً تا پیش از این مخاطب اطلاعات کمی درباره مشاغلی در حوزه هواپیمایی، روانشناسی یا رستوران‌داری داشت. اما همراه شدنش در سریال‌هایی که به صورت خاص به این مشاغل می‌پردازد، او را همراه‌تر کرده است. مثال روشن و واضح دیگر، پرداختن به شغل محیط‌بانی است که در سریال‌های افرا و پایتخت به آن پرداخته شد: آن نطق غراکه در سریال پایتخت از زبان بهبود فریبا که محیط‌بان بود بیان شد، به نجات بسیاری از محیط‌بانان کمک کرد که به دلیل شلیک به قاچاقچیان غیرمجاز و مرگ آنها، تا پای چوبه دار رفته بودند. آن بیان واضح و شفاف مه‌ران احمدی در نقش بهبود فریبا با زبان و لهجه شیرین تأثیر خود را گذاشت و باعث شد نگاه به محیط‌بانان، به سمت و سوی بهتری کشیده شود. در سال‌های قبل‌تر، پخش سریال آرایشگاه زیبا هم توانسته بود در نوع خود به همراهی مردم و آشنایی‌شان با فضای مشاغل کمک کند. نباید فراموش کرد که تلویزیون همیشه نقش آگاهی‌رسانی دارد و از این طریق می‌توان به همراه کردن مخاطب با برخی مشاغل و بخش‌هایی از جامعه که نیاز به همراهی مردم دارند، کمک کرد.

### نما



**همیشه متمول**

**کارخانه‌داری یکی از آن مشاغلی است که اغلب مورد توجه نویسنده‌ها در آثار نمایشی قرار می‌گیرد. معمولاً تا می‌خواهند یک فرد متمول را معرفی کنند، او را صاحب یک کارخانه می‌کنند. اتفاقی که در سریال‌های «افرا» و «بی‌همگان» افتاد و از قضا مهدی سلطانی در هر دو سریال نقش یک کارخانه‌دار متمول را بازی کرد. جالب این‌که او در سریال «مادرانه» هم چنین نقشی را داشت. با این تفاوت که او با تجربه‌ای که در بازیگری دارد، هربار این شخصیت‌ها را متفاوت بازی کرده است.**

### ویژه

**سریال‌های کارآفرین**

سریال‌های تلویزیونی در کنار سرگرم کردن، همواره بحث آموزش را هم مورد توجه قرار می‌دهند. گاهی برای عده‌ای از مخاطبان پیش آمده که قصد داشتند کسب و کار تازه‌ای راه بیندازند اما هیچ‌گونه شناختی از آن نداشتند.

از این رو با تماشای یک سریال با زیر و بم آن حرفه آشنا شده‌اند. حتماً سؤال می‌کنید چگونه؟ برای‌تان نمونه‌های بسیاری را می‌توانیم نام ببریم که مرتبط با این موضوع بوده است. از جمله سریال «راه بی‌پایان» که دو شخصیت اصلی داستان می‌خواستند با توجه به توانمندی و خلاقیتی که دارند، کسب و کاری را بیندازند. یا این‌که در سریال «از سرنوشت» هاشم و سهراب توانستند روی پای خود بایستند و با خلاقیت و تلاشی که داشتند، کسب و کار تازه‌ای را بیندازند و خودشان صاحب کارگاهی شوند و قطعاتی را تولید کنند.

همچنین سریال «سایه‌بان» که شخصیت اصلی آن با کوششی که به خرج داد، توانست یک کارگاه مبل‌سازی را از ورشکستگی نجات دهد و کسب و کار تازه‌ای برپا کند. اتفاقی که در سریال «دلدار» هم افتاد و همان تیم سازنده درباره پرورش ماهی سریال ساختند.



**سفر هندوانه فروش به مالزی**

هندوانه فروشی یکی از مشاغلی است که خودش بار کمدی و طنز دارد و اغلب هم در مجموعه‌های طنز می‌توانیم کاراکتر این افراد را ببینیم. معمولاً مردانی هستند با چهره‌های خشن، سیبل‌های از بناگوش درفته و با یک دستمال قرمز دور گردن‌شان که هم دست و صورت‌شان و هم چاقوی قاچ کردن هندوانه را با آن پاک می‌کنند. اما در سریال «خانه به‌دوش» حمید لولایی نقش آقا ماشالا را بازی کرد که چندان شباهتی با این کاراکتر نداشت.

او مدام با واوت پراز هندوانه‌ای که نتوانسته بود به فروش برساند، به خانه برمی‌گشت و با خانواده‌اش وقت می‌گذراند و در کنار خانواده هندوانه می‌خورد و با بچه‌ها کلنجار می‌رفت تا این‌که یکباره تصمیم گرفت برای تأمین زندگی و آینده فرزندانش برای کار به مالزی سفر کند که درگیر ماجراهای شد. لولایی این نقش را به خوبی و باورپذیر بازی کرد و بسیار هم مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. تا جایی که یکی از نقش‌های ماندگار کارنامه این بازیگر شد.

